

نقش توانایی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکت: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران

محمدعلی آقایی *

حسن حسینی **

حسن باقری ***

چکیده

در پژوهش حاضر، تأثیر توانایی مدیریتی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه قرار گرفته است. شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش اجتناب از پرداخت مالیات، نرخ موثر مالیاتی دفتری، نرخ موثر مالیاتی نقدی و نرخ موثر مالیاتی نقدی بلندمدت هستند. نمونه آماری شامل ۱۲۲ شرکت از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران است که طی سال‌های ۸۷ تا ۹۳ بررسی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد بین توانایی مدیریتی و هر سه معیار استفاده‌شده برای اجتناب از پرداخت مالیات، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که مدیران تواناتر، بیشتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند که منجر به کاهش پرداخت‌های مالیات توسط شرکت می‌گردد. از طرفی، نتایج نشان‌دهنده این است شرکت‌هایی که عملکرد بهتری دارند مدیران با سطح توانایی بالا کمتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند. به طور کلی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد علاوه بر ویژگی‌های شرکت، توانایی مدیریتی بر رفتار اجتناب مالیاتی شرکت موثر است.

واژگان کلیدی: توانایی مدیریت، اجتناب مالیاتی، نرخ موثر مالیاتی، تحلیل پوششی داده‌ها

* دانشیار گروه حسابداری دانشگاه تربیت مدرس

** کارشناسی ارشد رشته حسابداری دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) h.hassani13@yahoo.com

*** کارشناسی ارشد رشته حسابداری و مدرس دانشگاه آزاد واحد زنجان

مقدمه

مدیران مسئول تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و انجام برنامه‌ریزی‌های عملیاتی شرکت هستند. به دلیل ایجاد تغییرات سریع و رقابت شدید در محیط کسب‌وکار، استراتژی‌های متنوع اتخاذ شده توسط مدیران، تعیین‌کننده آینده شرکت می‌باشد و در نتیجه نقش مهمی بر روی ارزش آتی شرکت دارند. یکی از این تصمیمات بسیار مهم مدیریتی، اجتناب از مالیات است. از دیدگاه سنتی اجتناب از مالیات، فعالیتی با ارزش افزوده برای شرکت‌ها است که موجب انتقال ثروت از دولت به سهامداران می‌شود (پارک و همکاران، ۲۰۱۶).

شرکت‌های خصوصی به منظور کاهش هزینه‌ها، تلاش می‌کنند تا از پرداخت مالیات اجتناب کنند. آن‌ها دائماً به دنبال پیدا کردن راه‌های جدیدتری برای فرار از پرداخت مالیات هستند و برای دست یافتن به این مهم اقدام به استخدام مدیران متخصص و آشنا به قوانین مالیاتی می‌کنند تا از آشنایی آن‌ها به ابهامات و نقاط ضعف موجود در قوانین و مقررات مالیاتی استفاده کنند و از پرداخت مالیات اجتناب کنند و در نهایت باعث کاهش هزینه‌ها و افزایش سودآوری شرکت شوند. دایرینگ و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند ویژگی‌های منحصربه‌فرد مدیران یکی از عوامل مهم اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌باشد، درحالی‌که ویژگی‌هایی مثل میزان آموزش و تحصیلات مدیران و جنس و سن آن‌ها نمی‌توانند عوامل تعیین‌کننده‌ای در اجتناب مالیاتی شرکت‌ها باشد. روس و شپرد (۱۹۹۷)، شاونانا (۲۰۰۹) و برتراند و اسپچور (۲۰۰۳) بیان کردند که مدیران در تصمیم‌گیری‌های خود در زمینه‌های مالی و سرمایه‌گذاری از سبک‌ها و شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کنند، و بیانگر این است که مدیران با توانایی بالا با استفاده از سبک‌ها و شیوه‌های مدیریتی خود باعث بالاتر رفتن کیفیت عملکرد شرکت می‌شوند. همچنین، هانلون و هیتزمن (۲۰۱۰) بیان می‌کنند که اگر چه گام‌های مهمی در جهت درک بهتر برنامه‌ریزی‌های مالیاتی شرکت‌ها برداشته شده است ولی هنوز این موضوع به درستی و به طور کامل درک نشده است. تمرکز بر روی توانایی‌های مدیریتی باعث درک بهتر عوامل تعیین‌کننده استراتژی‌های برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌ها می‌شود. همچنین، مطالعه این موضوع فرصتی را فراهم می‌کند تا تصمیم‌گیری شرکت‌ها در خصوص اجتناب از مالیات از منظر فرصت‌های سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار گیرد. در مدل‌های تصمیم‌گیری مدیران یکی از عوامل مهم، هزینه فرصت تلاش‌های مدیران است. زمان و میزان تلاش مدیران محدود است. مدیران باید تلاش خود را بیشتر بر روی پروژه‌هایی متمرکز کنند که دارای بالاترین ارزش

فعلی خالص مثبت برای شرکت هستند. برای مثال، مدیران با توانایی بالا می‌توانند منابع در اختیار خود را به جای سرمایه‌گذاری در طراحی و اجرای استراتژی‌های مالیاتی، بیشتر بر روی فعالیت‌های عادی شرکت سرمایه‌گذاری کنند. به طوری که این فعالیت‌ها به منظور حداقل رساندن مالیات تشخیصی توسط مقامات مالیاتی پیچیده و مبهم نیستند (دسای و دارمیلا، ۲۰۰۶).

علی‌رغم اینکه پژوهش‌های متعددی راجع به اجتناب مالیاتی در ایران صورت گرفته است، اما توانایی مدیران در میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در پژوهش‌های مربوط به اجتناب مالیاتی صورت گرفته در ایران نادیده گرفته شده است. لذا، هدف اصلی این پژوهش آن است که تأثیر توانایی مدیران شرکت‌ها را بر میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه قرار دهد. بنابراین بررسی تأثیر توانایی مدیران بر روی اجتناب مالیاتی شرکت‌ها می‌تواند به توضیح این مهم کمک کند که چگونه توانایی‌های ویژه مدیران بر روی اجتناب مالیاتی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد، چرا که مدیران با استعداد و توانا تأثیر قابل توجهی در سیاست‌ها و موفقیت شرکت‌ها دارند.

مبانی نظری پژوهش

توانایی مدیریتی به معنای توانایی مدیران در افزایش ارزش شرکت با استفاده مؤثر از منابع محدود در کل عملیات تجاری شرکت تعریف شده است (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲). مدیران با سطح بالاتری از توانایی باید دانش و اطلاعات مرتبط بیشتر و درک بهتری از پیرامون صنعت داشته باشند. مدیران توانا می‌توانند با تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و انجام برنامه‌ریزی‌های عملیاتی نقش مهمی در بالا بردن ارزش آتی شرکت داشته باشند. یکی از مهم‌ترین این تصمیمات، اجتناب از مالیات است. رابطه بین توانایی مدیران و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را می‌توان از دو دیدگاه سنتی و نمایندگی مورد بررسی قرار داد. با توجه به دیدگاه سنتی در مورد ارتباط بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت، اجتناب از مالیات با کاهش منابع انتقالی به عنوان مالیات از شرکت به دولت باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود. از این رو، طبق دیدگاه سنتی، مدیران با سطح بالایی از توانایی منابع حاصل از اجتناب مالیاتی را وارد شرکت می‌کنند و باعث افزایش ارزش شرکت می‌شوند. این منابع با توجه به کاهش مالیات پرداختی و در نتیجه افزایش سود خالص دوره جاری و نهایتاً افزایش میزان نقدینگی حاصل می‌شود (پارک و همکاران، ۲۰۱۶).

کاستر و همکاران (۲۰۱۶) بیان می‌کنند، به سه دلیل مدیرانی که توانایی بالایی در مدیریت کارآمد منابع دارند، بیشتر از سایر مدیران درگیر موضوع اجتناب از مالیات می‌شوند. اول اینکه مدیران توانا بهتر می‌توانند تصمیمات تجاری خود را با استراتژی‌های مالیاتی منطبق سازند و به راحتی می‌توانند با توجه به درک بالایی که از محیط عملیاتی شرکت دارند از فرصت‌های ایجادشده برای برنامه‌ریزی مالیاتی در جهت بالا بردن بازدهی شرکت استفاده کنند. به عنوان مثال، زمان‌بندی، طبقه‌بندی و مکان‌یابی فعالیت‌های تحقیق و توسعه که دارای پیامدهای مهمی برای به دست آوردن مزایای مالیاتی می‌باشند. دوم اینکه مدیران توانا می‌توانند بازدهی شرکت را از طریق به حداقل رساندن هزینه‌ها انجام دهند. اگرچه انگیزه کاهش هزینه‌ها در همه مدیران وجود دارد ولی کاهش برخی از هزینه‌ها مثل هزینه‌های تولید، دستمزد، بازاریابی و ... می‌تواند عواقب نامطلوب در عملیات شرکت داشته باشد. بنابراین مدیران با توانایی بالا برای مدیریت منابع شرکت، توانایی بیشتری برای کاهش هزینه‌ها دارند. به عنوان مثال حذف هزینه‌های بازاریابی می‌تواند باعث کاهش میزان فروش شرکت شود و همچنین کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه می‌تواند باعث کاهش نوآوری شود. بنابراین مدیران با توانایی بالا در مدیریت کارآمد منابع شرکت، هزینه‌ها را از طریق اجتناب از مالیات کاهش می‌دهند. سوم اینکه مدیرانی که به دنبال مدیریت مؤثر منابع شرکت هستند، تصمیمات تجاری خود را به گونه‌ای اتخاذ می‌کنند که باعث کاهش وجوه پرداختی بابت مالیات شود. چرا که می‌توانند از این مبالغ صرفه‌جویی شده در عملیات با پتانسیل شرکت استفاده کنند و با این مبالغ سرمایه‌گذاری‌های مناسب انجام دهند. هدایت منابع شرکت به سمت فعالیت‌های عملیاتی پر بازده انتظاری است که از مدیران با توانایی بالا می‌رود (کاستر و همکاران، ۲۰۱۶).

با این حال طبق تئوری نمایندگی اگر چه اجتناب از مالیات ممکن است مزایایی برای سهامداران به همراه داشته باشد. ولی این کار هزینه‌های غیر مالیاتی، از جمله زمان، منابع انسانی و منابع صرف شده برای استراتژی‌های مالیاتی، هزینه‌های سیاسی و نهایتاً هزینه‌هایی که بابت متزلزل شدن جایگاه شرکت در جامعه به دلیل افترا و تهمت فرار مالیاتی باید پرداخت کند را به همراه دارد (دسای و دارمپا، ۲۰۰۹؛ گراهام و همکارانش، ۲۰۱۴؛ حسن و همکاران، ۲۰۱۴). مدیران با سطح توانایی بالاتر قادر به پیش‌بینی بهتر این هزینه‌ها و مزایای اجتناب از مالیات می‌باشند. بنابراین سطح مطلوب اجتناب از مالیات تعیین شده توسط مدیران ممکن است بسته به ویژگی‌های شرکت‌ها متفاوت باشد. این موضوع مطابق با نتایج

پژوهش اسلمورد (۲۰۰۴) می‌باشد که می‌گوید سطح مطلوب اجتناب از مالیات، سطحی است که شرکت در بالاترین ارزش خود با توجه به ویژگی‌های خاص هر شرکت، میزان نسبی هزینه‌ها و منافع حاشیه‌ای ناشی از اجتناب از مالیات قرار می‌گیرد. یک مدیر توانا، اطلاعات بیشتری در مورد محیط کسب‌وکار شرکت دارد. بنابراین می‌تواند بازدهی شرکت را از طریق استفاده موثر از منابع محدود شرکت به حداکثر برساند (بایک و همکاران، ۲۰۱۳؛ دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳). اگر هزینه‌های مالیاتی و هزینه‌های غیر مالیاتی اجتناب از مالیات بیش از منافع آن باشد و هزینه فرصت اجتناب از مالیات بیش از فعالیت‌های دیگر مدیریتی باشد، مدیران توانمند منابع شرکت را در سایر فعالیت‌های مدیریتی از قبیل بازاریابی، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های مالی صرف می‌کنند تا عملکرد کلی شرکت را به حداکثر برسانند. بنابراین بنا به تئوری نمایندگی و با توجه به رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت، مدیران با سطح توانایی بالا به انجام فعالیت‌های اجتناب از مالیات کمتری می‌پردازند (پارک و همکاران، ۲۰۱۶). بنابراین، ارتباط اجتناب مالیاتی و توانایی مدیریتی به وضوح مشخص نبوده و این موضوع سوال اصلی پژوهش می‌باشد.

پیشینه پژوهش

پارک و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های کره‌ای طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۱ پرداختند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده رابطه منفی و معنادار بین توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی بود. نتایج نشان دادند که رابطه منفی و معنادار بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت بود. بعلاوه، نتایج نشان‌دهنده این بود که مدیران با توانایی بالاتر منجر به کاهش رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت می‌شوند. به طور کلی، نتایج پژوهش بیانگر تأثیر توانایی مدیریتی بر رفتار اجتناب از مالیات شرکت است.

کاستر و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی نقش توانایی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکت طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۱۰ پرداختند. نتایج نشان دادند مدیران با توانایی بیشتر موجب افزایش اجتناب از مالیات شرکت‌ها می‌شوند. از طرفی، نتایج نشان دادند که در حرکت از چارک پایین‌تر به بالاتر توانایی مدیریتی با کاهش ۳/۱۵ درصدی در یک سال (۲/۵ درصدی در پنج ساله) در نرخ موثر مالیات نقدی یک شرکت مرتبط است. همچنین، یافته‌ها گویای این مطلب است که مدیران توانمند برای کاهش پرداخت مالیات از راه‌های

مختلفی استفاده می‌کنند. از جمله این راه‌ها عبارتند از: تعامل در فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی دولت‌ها، سوق دادن درآمد بیشتر به سمت درآمدهای خارجی و استفاده از پناهگاه‌های مالیاتی خارجی، ایجاد طرح و توسعه اعتباری و سرمایه‌گذاری بیشتر در دارایی‌های که شتاب کسر استهلاک آن‌ها بالاست.

فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳) به بررسی توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی طی سال‌های ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۹ پرداختند. نتایج نشان دادند که بین توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. آن‌ها تحقیق خود را برای طیف گسترده‌ای از اقدامات اجتناب از مالیات و مالیات متهورانه انجام دادند. همچنین، آن‌ها دریافتند زمانی که هزینه‌های فرصت فعالیت‌های اجتناب از مالیات قابل توجه و بااهمیت است، مدیران با توانایی بالا کمتر درگیر فعالیت‌های اجتناب از مالیات می‌گردند و می‌توانند منابع شرکت را به فعالیت‌هایی که کارایی بیشتری دارند، اختصاص داده و در این راستا تلاش کمتری در خصوص فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌کنند.

آندرو و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی نشان دادند که توانایی مدیریت با عملکرد شرکت رابطه مثبت و معناداری دارد. نتایج پژوهش آنان نشان داد که شرکت‌های با مدیران توانا تر در دوره‌های بحرانی خود، سرمایه‌گذاری بیشتری انجام می‌دهند، سود بیشتری عاید شرکت می‌کنند و چنانچه روند سودآوری مناسب نباشد، از ابزار تأمین مالی بدهی به نحو مناسب استفاده می‌کنند. همچنین توانایی مدیریت با نامتقارنی اطلاعات رابطه منفی و معنادار دارد. به بیان بهتر، مدیر توانمند می‌تواند موجب عملکرد بهتر شرکت، افزایش سرمایه‌گذاری، افزایش سودآوری، استفاده مناسب از منابع و کاهش نامتقارنی اطلاعات شود.

برتشر و همکاران (۲۰۱۳)، به بررسی این موضوع پرداختند که آیا جدایی مالکیت و کنترل، برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌های خصوصی دارای ساختار مالکیت متفاوت را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر؟ نتایج نشان داد شرکت‌هایی که بیشتر بر مالکیت و کنترل تمرکز دارند، اجتناب مالیاتی کمتری دارند. همچنین هزینه‌های ضمنی اجتناب مالیاتی و جدایی مالکیت و کنترل، برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌های خصوصی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی به تبیین مشوق‌های موثر بر برنامه‌ریزی مالیاتی پرداختند. افراد مذکور، از یک مجموعه داده اختصاصی که حاوی اطلاعات مربوط به طرح‌های پاداش به صورت جزئی بود، استفاده نمودند. همچنین، از معیارهایی همچون نرخ

موثر مالیاتی بر مبنای استانداردهای حسابداری، نرخ موثر مالیاتی نقدی و اختلاف بین درآمد دفتری و درآمد مشمول مالیات استفاده نمودند. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بین طرح‌های تشویقی پاداش مدیران مالیاتی با نرخ موثر مالیاتی محاسبه‌شده بر اساس استانداردهای حسابداری رابطه منفی و معنادار وجود دارد، اما بین طرح‌های مذکور با سایر معیارهای استفاده‌شده ارتباطی ضعیف وجود دارد. محققان در توجیه نتایج حاصله بر این باورند که مدیران فعال در امور مالیاتی شرکت‌ها با مشوق‌هایی سروکار دارند که در صورت کاهش هزینه مالیات گزارش‌شده در صورت‌های مالی محقق خواهد شد.

دایرینگ و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی تأثیر مدیران بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. آن‌ها در بررسی خود در باب تأثیر ویژگی‌های فردی مدیران ارشد در افزایش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، به این نتیجه رسیدند که جدا از ویژگی‌های خاص شرکت‌ها، ویژگی‌های فردی مدیران ارشد، نقش بسیار مهمی در تعیین سطح اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دارند.

ویلسون (۲۰۰۹) در مطالعه خود با ارائه مدلی برای پیش‌بینی فرار مالیاتی با استفاده از ویژگی‌های خاص شرکت پرداخت. یافته‌های وی نشان داد در شرکت‌هایی که اقدام به فرار از پرداخت مالیات می‌کنند، تفاوت بین درآمد مشمول مالیات قطعی شده و سود مشمول مالیات ابرازی بیشتر می‌باشد و این شرکت‌ها از روبه‌های گزارشگری مالی متهورانه‌تری استفاده می‌کنند. علاوه بر این، شرکت‌هایی که اقدام به فرار مالیاتی می‌کنند، بازده‌های مثبت و غیرعادی بیش‌تری را نشان می‌دهند.

دسای و دارمپا (۲۰۰۶)، در مطالعه‌ای تحت عنوان وضعیت مالیات و حاکمیت شرکتی، ارتباط متقابل سیستم مالیاتی و حاکمیت شرکتی را مورد بررسی قرار دادند و مشکلات نمایندگی را به عنوان عامل اساسی شکل‌گیری این ارتباط متقابل دانستند. آن‌ها ادعا کردند که افشای عدم اطمینان در خصوص تعیین وضعیت مالیاتی شرکت با اجتناب مالیاتی ارتباط مثبت و معناداری دارد. بنابراین، عدم اطمینان در خصوص میزان مالیات شرکت‌ها، ناشی از پیچیدگی و ابهام فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت است.

در رابطه با موضوع مورد بررسی پژوهش حاضر هیچ پژوهشی در ایران یافت نشد؛ لذا، در ادامه به ذکر خلاصه برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در ایران در رابطه با توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی پرداخته می‌شود.

حجازی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تأثیر توانایی مدیران بر سیاست تقسیم سود

پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که توانایی مدیران دارای رابطه مثبت و معناداری با سیاست تقسیم سود شرکت‌ها است. مدیران توانا تر سود تقسیمی بیشتری پرداخت می‌کنند.

مراد زاده فرد (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی توانایی مدیریتی، کارایی سرمایه‌گذاری و ریسک سقوط آتی قیمت سهام پرداخت. یافته‌های او نشان داد که توانایی مدیریتی، سرمایه‌گذاری کمتر از حد را کاهش، سرمایه‌گذاری بیش از حد را تقویت و در مجموع سبب افزایش انحراف در سطح سرمایه‌گذاری مورد انتظار می‌شود. همچنین توانایی مدیریتی ریسک سقوط قیمت آتی سهام را به طور معناداری افزایش می‌دهد.

سپاسی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر تجدید ارائه صورت‌های مالی با تأکید بر انگیزه‌های فرصت‌طلبانه پرداختند. نتایج حکایت از آن دارد که فقط هنگامی بین توانایی مدیریت با تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود دارد که نوع رفتار فرصت‌طلبانه باشد و در انواع مختلف رفتار غیر فرصت‌طلبانه (غیر فرصت‌طلبانه افزایشی و غیر فرصت‌طلبانه کاهش) رابطه معناداری وجود ندارد.

حاجب و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی توانایی مدیریت و بررسی تأثیر آن بر ساختار سرمایه شرکت‌های صنعت مواد و محصولات دارویی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که شرکت‌های با مدیران توانا تر از اهرم مالی بیشتری استفاده می‌کنند. نتایج پژوهش فرضیه خطر-کارایی را مورد تأیید قرار داد. به این معنی که کارایی بیشتر بنگاه اقتصادی که دستاورد مدیران تواناست، این امکان را برای بنگاه اقتصادی فراهم می‌کند تا دسترسی بهتر به منابع استقراضی داشته و همچنین ثبات و پایداری بیشتری در مقابل خطر ناشی از افزایش بدهی ایجاد شود.

پورحیدری و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی شرکت را کاهش می‌دهد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است که بر محیط اطلاعاتی شرکت تأثیر منفی می‌گذارد و باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی شرکت می‌شود.

پورحیدری و سروستانی (۱۳۹۲) به شناسایی و تبیین عوامل موثر بر مدیریت مالیات

پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که از بین ویژگی‌های خاص شرکت، اندازه شرکت به طور منفی نرخ موثر مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین بین نسبت بدهی، شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا و شدت سرمایه‌گذاری در دارایی ثابت با نرخ موثر مالیاتی رابطه‌ای مثبت و معنادار مشاهده شد. با وجود این، نتایج پژوهش بیان‌کننده آن بود که بین فرصت‌های رشد و عمر شرکت با نرخ موثر مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین نتایج گواه آن بود که مالکیت نهادی به طور منفی نرخ موثر مالیاتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

حساس یگانه و گل محمدی (۱۳۹۲) به بررسی نرخ موثر مالیات و ویژگی‌های شرکت پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد نرخ موثر مالیات به نرخ قانونی نزدیک است، همچنین این نرخ در هر صنعت تقریباً یکسان است، ارتباط منفی میان نرخ موثر مالیات با اندازه شرکت و سودآوری و ارتباط مثبتی میان نرخ موثر مالیات با اهرم مالی وجود دارد، ولی میان نرخ موثر مالیاتی با شدت سرمایه‌گذاری و ساختار مالکیت ارتباط معنادار وجود ندارد.

فرضیه پژوهش

با توجه به پیشینه پژوهش و مباحث مطرح‌شده در بخش مبانی نظری، ارتباط اجتناب مالیاتی و توانایی مدیریتی به وضوح مشخص نبوده و این موضوع سوال اصلی پژوهش می‌باشد. بنابراین، فرضیه مورد آزمون در پژوهش حاضر به شرح زیر می‌باشد:

فرضیه: توانایی مدیریتی تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

روش پژوهش

این پژوهش بر حسب هدف، کاربردی و بر مبنای روش، توصیفی و از نوع همبستگی است. پژوهش حاضر از نوع پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) است که بر اساس اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و گزارش هیأت مدیره به مجمع عمومی انجام گرفت. داده‌های مورد نیاز در بخش ادبیات پژوهش از کتب، مجلات تخصصی فارسی و لاتین، مقالات، رسانه‌ها و در مواردی از پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط استخراج شد (روش کتابخانه‌ای)، و برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از بانک اطلاعاتی نرم‌افزارهای ره آورد نوین و پایگاه بورس

اوراق بهادار استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل نهایی، به منظور واکاوی داده‌ها از نرم‌افزارهای اکسل و ایویوز ۷ استفاده شده است. همچنین برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون خطی چند متغیره استفاده گردید.

جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهند. برای انتخاب نمونه آماری پژوهش از روش حذفی سیستماتیک استفاده شد. نمونه نهایی پژوهش شامل شرکت‌هایی است که حائز شرایط زیر باشند:

- ۱- جزو صنایع واسطه‌گری، سرمایه‌گذاری، لیزینگ و بیمه نباشند.
 - ۲- طی سال‌های مالی ۸۷ تا ۹۳ تغییر فعالیت و یا تغییر سال مالی نداشته باشند.
 - ۳- پایان سال مالی شرکت، منطبق بر ۲۹ اسفند ماه باشد.
 - ۴- داده‌های مورد نظر آن‌ها در دسترس باشند.
 - ۵- به دلیل شرایط محاسبه معیار نرخ موثر مالیاتی و از آنجا که نرخ موثر مالیاتی شرکت‌هایی که زیان ده هستند تحریف شده و به سختی قابل تفسیر است، شرکت‌هایی در نمونه قرار می‌گیرند که سود قبل از مالیات آن‌ها از سال ۱۳۸۷ تا سال ۱۳۹۳ مثبت باشد.
- بنابراین، شرکت‌های فاقد شرایط پیش گفته، خارج از نمونه آماری پژوهش محسوب می‌شوند. با توجه به شرایط فوق، در نهایت تعداد ۱۲۲ شرکت انتخاب شدند که داده‌ها و اطلاعات مالی آن‌ها در تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته استفاده شد.

مدل‌ها و متغیرهای مورد استفاده در پژوهش

برای آزمون فرضیه پژوهش از مدل ارائه شده توسط فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳)، کاستر و همکاران (۲۰۱۶) و پارک و همکاران (۲۰۱۶) استفاده شده است:

مدل (۱)

$$\text{Tax Avoidance Proxy}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{Mgr1 Ability}_{i,t} + \beta_2 \text{SIZE} + \beta_3 \text{PPE} + \beta_4 \Delta \text{PPE} + \beta_5 \text{Leverage} + \beta_6 \text{Intangibles} + \beta_7 \text{ROA} + \beta_8 \text{MTB} + \beta_9 \text{Sales Growth} + \beta_{10} \text{Volatility} + \beta_{11} \text{Age} + \beta_k \text{INDUSTRY FIXED EFFECTS} + \beta_j \text{YEAR FIXED EFFECTS} + \varepsilon_j$$

شرح متغیرهای مدل بالا عبارتند از:

متغیرهای وابسته: پژوهش‌های مربوط به اجتناب مالیاتی معیارهای مختلفی برای

اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی ارائه می‌دهند. در این پژوهش به منظور استفاده از معیاری برای فعالیت‌های مالیاتی شرکت، از معیارهای نرخ موثر مالیاتی نقدی^۱، نرخ موثر مالیاتی دفتری^۲ و نرخ موثر مالیاتی نقدی بلندمدت^۳ استفاده می‌کنیم (هوپ و همکاران، ۲۰۱۳؛ دایرینگ و همکاران، ۲۰۰۸).

نرخ موثر مالیاتی نقدی: نشان‌دهنده نرخ موثر مالیات نقدی است و برابر با مالیات نقدی پرداختی شرکت t در سال $t+1$ تقسیم بر سود قبل از مالیات شرکت t در سال t است. نرخ موثر مالیاتی دفتری: نشان‌دهنده نرخ موثر مالیات دفتری است و برابر با هزینه مالیات شرکت t در سال t تقسیم بر سود قبل از مالیات شرکت t در سال t است. نرخ موثر مالیاتی دفتری معیاری است که برای بار مالیاتی شرکت استفاده می‌شود (رگو و ویلسون، ۲۰۱۲؛ رایبسون و همکاران، ۲۰۱۰) این نوع نرخ موثر مالیات فعالیت‌هایی که به طور مستقیم از طریق هزینه مالیات بر سود خالص اثر می‌گذارد را در بر می‌گیرد. بنابراین، سیاست‌های مالیاتی که پرداخت‌های مالیات را به تعویق بیندازد، نخواهد توانست نرخ موثر مالیاتی دفتری را تغییر دهد.

استفاده از یک نرخ سالانه برای آزمون رفتار اجتناب مالیاتی شرکت، می‌تواند استنباط غلطی از رفتار بلندمدت شرکت‌ها به دنبال داشته باشد. از این رو از معیار نرخ موثر مالیاتی بلندمدت استفاده می‌شود که برابر با نسبت مجموع مالیات‌های نقدی پرداختی در طول ۵ سال بر مجموع سود قبل از مالیات همان دوره است. مزیت اصلی این معیار نسبت به نرخ موثر مالیاتی سالیانه، ماهیت بلندمدت محاسباتی آن است که از بی‌ثباتی سال به سال در نرخ‌های موثر مالیاتی جلوگیری می‌کند و ارتباط بهتری بین مالیات‌های پرداخت شده و سودهای مشمول مالیات برقرار می‌کند (دایرینگ و همکاران، ۲۰۰۸؛ هانلون و هیتزمن، ۲۰۱۰).

متغیر مستقل: در پژوهش حاضر، به منظور اندازه‌گیری توانایی مدیریت از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است. در این مدل، با استفاده از اندازه‌گیری کارایی شرکت و سپس وارد کردن آن در رگرسیون خطی چند متغیره به عنوان متغیر وابسته و کنترل ویژگی‌های ذاتی شرکت، توانایی مدیریت محاسبه می‌شود.

به منظور اندازه‌گیری کارایی شرکت، دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) از مدل تحلیل

1. Cash ETR
2. Book ETR
3. Long-Run Cash ETR

پوششی داده‌ها (DEA) استفاده کرده‌اند. مدل تحلیل پوششی داده‌ها، نوعی مدل آماری است که برای اندازه‌گیری عملکرد سیستم با استفاده از داده‌های ورودی و خروجی، کاربرد دارد.

$$\begin{aligned} \text{[max]} \quad \theta = & \text{sales} / (v_1 \text{ CoGS} + v_2 \text{ SG\&A} + v_3 \text{ NetPPE} \\ & + v_4 \text{ OpsLease} + v_5 \text{ R\&D} + v_6 \text{ Goodwill} \\ & + v_7 \text{ Intan}) \end{aligned}$$

در این مدل CoGS_t ، بهای کالای فروش رفته در سال t ، SG\&A_t ، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش در سال t ، NetPPE_t ، مانده خالص املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات در ابتدای سال t ، OpsLease_t ، هزینه اجاره عملیاتی در سال t ، R\&D_t ، هزینه تحقیق و توسعه در سال t ، Goodwill_t ، سرقفلی خریداری شده در ابتدای سال t و Intan_t ، مانده خالص دارایی نامشهود در ابتدای سال t . در این مدل برای هر کدام از متغیرهای ورودی ضریب خاص، v ، در نظر گرفته شده است زیرا اثر همه متغیرهای ورودی بر خروجی (فروش) یکسان نیست. مقدار محاسبه شده برای کارایی شرکت در محدوده صفر تا ۱ قرار می‌گیرد که حداکثر کارایی برابر ۱ و هر چه مقدار به دست آمده کمتر باشد یعنی کارایی شرکت پایین‌تر است.

کارایی شرکت‌ها متأثر از دو عامل ویژگی‌های شرکتی و توانایی مدیران است. پس اندازه کارایی که با استفاده از رابطه بالا حاصل می‌شود، دربرگیرنده هر دو عامل ویژگی‌های شرکتی و توانایی مدیران شرکت‌هاست؛ ولی هدف پژوهش حاضر تنها بررسی تأثیر توانایی مدیران بر اجتناب مالیاتی است. به همین علت، ابتدا از یک رگرسیون که ارتباط کارایی شرکت‌ها را با عوامل شرکتی نشان می‌دهد، استفاده می‌شود:

Firm Efficiency

$$\begin{aligned} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{Size}_t + \alpha_2 \text{Market Share} \\ & + \alpha_3 \text{Free Cash Flow Indicator} + \alpha_4 \text{Age} \\ & + \alpha_5 \text{Foreign Currency Indicator} + \varepsilon \end{aligned}$$

خطاهای باقیمانده حاصل از مدل، نشان‌دهنده امتیاز توانایی مدیران است دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲). که در آن:

Size: اندازه شرکت و برابر با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت است.

Market Share: سهم بازار شرکت و برابر با نسبت فروش شرکت به فروش کل صنعت

است.

Free Cash Flow Indicator: متغیری دامی (مصنوعی) که در صورت مثبت بودن جریان‌های نقدی آزاد برابر یک و در صورت منفی بودن برابر صفر در نظر گرفته شده است. جریان‌های نقدی آزاد برابر با جریان وجه نقد عملیاتی منهای بهره پرداختی و سود سهام پرداختی به سهامداران تقسیم بر جمع دارایی‌ها در سال t است (یانگ و جیانگ، ۲۰۰۸).

Age: عمر پذیرش شرکت در بورس اوراق بهادار و برابر با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس پذیرفته شده است.

Foreign Currency Indicator: نیز متغیر دامی (مصنوعی) است و برای شرکت‌هایی که صادرات داشته‌اند برابر ۱ در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است.
E: باقی‌مانده مدل که نشان‌دهنده میزان توانایی مدیریت است.

متغیرهای کنترلی: در این پژوهش تعدادی از متغیرها به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده‌اند که در پژوهش‌های قبلی انجام شده بر اجتناب مالیاتی شرکت تأثیر می‌گذارند (رگو و ویلسون، ۲۰۱۲؛ دایرینگ و همکاران، ۲۰۰۸؛ فیلیپس، ۲۰۰۳). این متغیرها عبارتند از:

SIZE: اندازه شرکت؛ که با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها در پایان سال اندازه‌گیری می‌شود.

PPE: خالص دارایی‌های ثابت مشهود؛ با تقسیم خالص دارایی‌های ثابت مشهود شرکت i در پایان سال t بر کل دارایی‌های شرکت i در پایان سال t محاسبه می‌شود.

ΔPPE : تغییرات خالص دارایی‌های ثابت مشهود؛ با تقسیم خالص دارایی‌های ثابت مشهود شرکت i در پایان سال t منهای خالص دارایی‌های ثابت مشهود شرکت i در پایان سال $t-1$ بر کل دارایی‌های شرکت i در پایان سال t محاسبه می‌شود.

Leverage: اهرم مالی شرکت؛ از تقسیم بدهی‌های بلندمدت شرکت i در پایان سال t به کل دارایی‌های شرکت i در پایان سال t تعیین می‌شود.

Intangibles: دارایی‌های نامشهود؛ با تقسیم خالص دارایی‌های نامشهود شرکت i در پایان سال t بر کل دارایی‌های شرکت i در پایان سال t محاسبه می‌شود.

ROA: بازده دارایی‌ها؛ بیانگر نسبت سود قبل از مالیات به کل دارایی‌های شرکت i در

سال t است.

MTB: از طریق تقسیم ارزش بازار سهام شرکت i در پایان سال t بر ارزش دفتری سهام شرکت i در پایان سال t به دست می‌آید.

Sales Growth: رشد فروش؛ با تقسیم فروش شرکت i در پایان سال t منهای فروش شرکت i در پایان سال $t-1$ بر فروش شرکت i در پایان سال $t-1$ محاسبه می‌شود.

Volatility: نوسان فروش؛ با تقسیم قدر مطلق فروش شرکت i در پایان سال t منهای فروش شرکت i در پایان سال $t-1$ بر کل دارایی‌های شرکت i در پایان سال $t-1$ محاسبه می‌شود.

Age: سن شرکت؛ برابر با لگاریتم تعداد سال‌هایی که شرکت برای اولین بار در بورس پذیرفته شده است.

INDUSTRY FIXED EFFECTS: اثرات ثابت صنعت؛ قوانین مالیاتی کشور به نحوی است که برخی از صنایع قابلیت و توانایی بیشتری برای مدیریت مالیات دارند. به عنوان مثال در صنعتی که امکان تولید محصولات صادراتی یا کشاورزی وجود دارد، شرکت‌ها این قابلیت را دارند که از معافیت مالیاتی بیشتری طبق مواد شماره ۸۱ و ۱۴۱ قانون مالیات‌های مستقیم برخوردار باشند. طبق مواد یادشده درآمدهای حاصل از فعالیت‌های کشاورزی و همچنین درآمدهای حاصل از صادرات محصولات تمام‌شده صنعتی و کشاورزی از معافیت ۱۰۰ درصدی مالیاتی برخوردار هستند (پور حیدری و سروستانی، ۱۳۹۲).

YEAR FIXED EFFECTS: اثرات ثابت زمان.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون را در بر دارد. در این جدول متغیرها، تعداد مشاهدات، میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و حداکثر متغیرها آورده شده است. همان طور که در جدول ۱ نشان داده شده است، میانگین نرخ موثر مالیاتی دفتری و نرخ موثر مالیاتی نقدی به ترتیب برابر با ۰/۱۴ و ۰/۱۶ است. همچنین میانگین نرخ موثر مالیاتی نقدی بلندمدت بیشتر از نرخ موثر مالیاتی دفتری و کمتر از نرخ موثر مالیاتی نقدی می‌باشد. به علاوه طبق ماده ۱۴۳ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۱۳۸۰، نرخ موثر قانونی مالیاتی

شرکت‌های بورسی ۲۲/۵ درصد می‌باشد، در حالی که میانگین نرخ موثر مالیاتی دفتری و نقدی در محدوده ۰/۱۴ و ۰/۱۶ درصد است. به عبارت دیگر، نرخ موثر مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران کمتر از نرخ قانونی مالیات است. همچنین مقدار میانه توانایی مدیریت برابر با ۰/۰۳۱ و نزدیک به صفر است، می‌توان گفت تقریباً نیمی از مدیران شرکت‌ها کارایی را به منظور مدیریت عملیات شرکت انتخاب کرده‌اند و مقادیر حداقل ۰/۳۵- و حداکثر ۰/۲۷ نیز نشان‌دهنده پراکندگی زیاد توانایی‌های ذاتی مدیران فعال در شرکت‌های نمونه است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
Book ETR	۸۵۴	۰/۱۳۶۶	۰/۱۵۶۱	۰/۰۸۰۲	۰/۲۶۵۰	۰
Cash ETR	۷۲۶	۰/۱۵۷۸	۰/۱۶۳۲	۰/۱۰۱۴	۰/۵۹۴۷	۰
Long-Run Cash ETR	۷۲۶	۰/۱۴۸۳	۰/۱۵۷۲	۰/۰۶۹۲	۰/۳۳۱۹	۰
Mgrl Ability	۸۵۴	۰/۰۰۳۸	۰/۰۰۳۱	۰/۱۴۶۵	۰/۲۶۷۴	-۰/۳۵۱۴
SIZE	۸۵۴	۱۳/۸۰۹	۱۳/۶۵۴	۱/۳۷۸۷	۱۹/۰۰۹	۱۰/۰۸۶
PPE	۸۵۴	۰/۲۶۳۲	۰/۲۲۴۱	۰/۱۷۵۱	۰/۸۹۰۶	۰/۰۰۳۸
ΔPPE	۸۵۴	۰/۰۲۵۷	۰/۰۰۸۰	۰/۰۸۳۷	۰/۷۴۳۲	-۰/۵۰۰۱
Leverage	۸۵۴	۰/۰۷۳۷	۰/۰۴۵۳	۰/۰۸۲۳	۰/۴۶۷۰	۰
Intangibles	۸۵۴	۰/۰۰۶۱	۰/۰۰۲۱	۰/۰۱۰۳	۰/۰۹۶۷	۰
ROA	۸۵۴	۰/۱۷۶۴	۰/۱۴۷۷	۰/۱۳۲۱	۰/۷۰۰۱	۰/۰۰۱۸
MTB	۸۵۴	۲/۲۷۲۸	۱/۷۷۶۹	۱/۲۴۳۱	۷/۹۵۹۲	۰/۲۲۹۹
Sales Growth	۸۵۴	۰/۲۱۹۶	۰/۱۷۴۸	۰/۳۵۸۳	۵/۲۱۲۲	-۰/۹۳۱۰
Volatility	۸۵۴	۰/۲۳۴۴	۰/۱۵۶۶	۰/۲۵۸۲	۱/۸۷۲۹	۰
Age	۸۵۴	۲/۶۲۹۱	۲/۶۷۳۵	۰/۵۴۲۲	۳/۸۷۱۲	۰/۶۹۳۱

نتایج آزمون فرضیه پژوهش

نتایج مربوط به آماره F در جدول ۲ نشان می‌دهد که مدل کلی پژوهش حاضر بر اساس هر سه معیار مورد استفاده برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی معنادار است؛ چرا که سطح معناداری در هر سه ستون برابر با (۰/۰۰۰) و کمتر از سطح خطای ۰/۰۱ می‌باشد. نتایج حاصل از بررسی خود همبستگی جملات خطا با استفاده از آماره دوربین واتسون نیز بیانگر وجود خود همبستگی بین خطاهای مدل بود که برای رفع آن، از مدل اتو رگرسیون

AR(1) استفاده شده است. لازم به ذکر است که در برآورد اولیه مدل، نتایج حاصل از آزمون ناهمسانی واریانس ها با استفاده از آزمون وایت، بیانگر وجود ناهمسانی واریانس باقیمانده‌های مدل بود که برای رفع این مشکل، از تصحیح وایت استفاده شده است.

جدول ۲. نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش

Long-Run Cash ETR	Cash ETR	Book ETR	اجتناب مالیاتی	
ضرایب رگرسیون (آماره t)	ضرایب رگرسیون (آماره t)	ضرایب رگرسیون (آماره t)	متغیرها	متغیرهای توضیحی
۰/۳۱۳۹ (۴/۷۵۹۸)*	۰/۳۲۹۱ (۵/۴۷۸۱)*	۰/۳۴۹۹ (۵/۷۶۸۲)*	β_0	C
۰/۰۳۱۷ (۱/۷۴۸۲)***	۰/۱۱۱۲ (۲/۴۷۹۲)**	۰/۰۶۷۱ (۲/۹۳۷۸)*	β_1	Mgrl Ability
-۰/۰۱۰۰ (-۲/۷۱۵۳)*	-۰/۰۱۳۶ (-۳/۹۰۹۸)*	-۰/۰۱۴۲ (-۴/۴۸۶۵)*	β_2	SIZE
-۰/۰۳۴۷ (-۱/۰۶۷۶)	۰/۰۶۲۷ (۱/۶۹۲۷)***	۰/۰۰۲۵ (۰/۰۸۱۰)	β_3	PPE
۰/۰۳۴۸ (۱/۴۰۳۵)	-۰/۰۰۷۱ (-۰/۱۹۳۳)	۰/۰۲۴۸ (۰/۹۳۵۷)	β_4	Δ PPE
-۰/۰۱۶۱ (-۰/۴۲۹۰)	۰/۰۴۳۹ (۰/۵۵۶۱)	-۰/۰۲۷۱ (-۰/۶۲۳۴)	β_5	Leverage
-۰/۱۱۴۹ (-۰/۵۴۳۶)	-۰/۰۶۰۴ (-۱/۳۴۷۳)	-۰/۰۵۵۱۲ (-۱/۶۲۷۶)	β_6	Intangibles
-۰/۰۵۴۱ (-۲/۱۴۴۲)**	-۰/۱۴۹۰ (-۳/۴۵۰۲)*	۰/۰۲۹۷ (۰/۸۶۷۵)	β_7	ROA
۰/۰۰۱۳ (۰/۸۴۰۰)	۰/۰۰۳۳ (۱/۳۳۵۲)	-۰/۰۰۰۲ (-۰/۱۹۷۶)	β_8	MTB
۰/۰۰۴۷ (۰/۷۸۳۹)	-۰/۰۲۱۹ (-۱/۳۸۵۰)	۰/۰۱۸۱ (۳/۰۷۳۵)*	β_9	Sales Growth
۰/۰۰۷۸ (۰/۸۹۱۲)	۰/۰۱۳۱ (۰/۶۳۰۸)	-۰/۰۱۳۴ (-۱/۳۳۶۱)	β_{10}	Volatility
۰/۰۰۳۴ (۰/۳۲۸۶)	۰/۰۱۳۸ (۱/۳۵۴۵)	-۰/۰۰۱۷ (-۰/۱۷۳۵)	β_{11}	Age
لحاظ شده است			اثرات سال و صنعت	
(۰,۰۰۰۰)۹/۹۸۷	(۰,۰۰۰۰)۴/۶۲۷	(۰,۰۰۰۰)۱۹/۸۲۱	آماره F (احتمال)	

۱/۸۸۴	۱/۹۹۹	۲/۰۸۱	آماره دوربین واتسون
۰/۲۸۶	۰/۱۶۴	۰/۴۱۹	ضریب تعیین
۰/۲۵۸	۰/۱۲۹	۰/۳۹۸	ضریب تعیین تعدیل شده
*، ** و *** به ترتیب در سطح خطای ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ معنادار است.			

بر اساس فرضیه پژوهش بیان شده بود که بین توانایی مدیریت و اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد. این فرضیه با استفاده از سه معیار نرخ موثر مالیاتی دفتری، نرخ موثر مالیاتی نقدی و نرخ موثر مالیاتی نقدی بلندمدت مورد استفاده برای سنجش فعالیت‌های اجتناب مالیاتی شرکت مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه در جدول ۲ ارائه شده است.

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود ضریب توانایی مدیریت (β_1) با استفاده از هر سه معیار اجتناب مالیاتی مثبت می‌باشد با توجه به آماره این متغیر، نتایج نشانگر معناداری این متغیر از لحاظ آماری می‌باشد. مثبت بودن ضریب توانایی مدیریت بیانگر این است هر چقدر توانایی مدیریتی مدیران بالاتر باشد منجر به اجتناب مالیاتی بیشتر می‌گردد. از این رو، با توجه به نتایج به دست آمده در جدول ۲ فرضیه پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد. همچنین از بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و بازده دارایی‌ها رابطه منفی و معنادار با اجتناب مالیاتی دارد.

تجزیه و تحلیل اضافی

در این پژوهش، توانایی مدیران به عنوان توانایی حداکثر سازی ارزش شرکت به وسیله استفاده کارا از منابع محدود در اختیار مدیریت تعریف شده است. اگر هزینه‌های فرصت اجتناب مالیاتی بیشتر از سایر فعالیت‌های مدیریت باشد، مدیران با سطح بالایی از توانایی ترجیح می‌دهند منابع در اختیار خود را در سایر فعالیت‌ها به منظور حداکثر کردن درآمد کل شرکت به کار گیرند. برای آزمون این فرض، نمونه پژوهش به دو گروه شرکت‌هایی با عملکرد خوب و شرکت‌هایی با عملکرد بد تقسیم شد. سپس، رابطه (۱) برای هر یک از گروه‌ها به طور جداگانه آزمون شد. در این پژوهش از بازده دارایی‌ها (ROA) به عنوان عملکرد شرکت‌ها استفاده شده است، به طوری که شرکت‌هایی با بازده دارایی بیشتر از میانه بازده دارایی، به عنوان شرکت‌هایی با عملکرد خوب و شرکت‌هایی با بازده دارایی کمتر از میانه بازده دارایی، به عنوان شرکت‌هایی با عملکرد بد تقسیم شدند.

جدول ۳. نتایج حاصل از آزمون تأثیر عملکرد شرکت‌ها بر رابطه بین توانایی مدیریت و اجتناب مالیاتی

Cash ETR		Book ETR		اجتناب مالیاتی	
bad performance	good performance	bad performance	good performance	عملکرد شرکت‌ها	
ضرایب رگرسیون (آماره t)	ضرایب رگرسیون (آماره t)	ضرایب رگرسیون (آماره t)	ضرایب رگرسیون (آماره t)	متغیرها	متغیرهای توضیحی
۰/۱۹۹۴ (۲/۶۶۸۸)*	۰/۴۰۳۸ (۵/۲۹۸۰)*	۰/۳۸۲۸ (۵/۴۹۳۰)*	۰/۳۰۹۴ (۴/۶۳۰۴)*	β_0	C
۰/۱۸۳۵ (۳/۴۶۶۶)*	۰/۱۳۲۸ (۳/۴۵۸۶)*	۰/۰۷۲۶ (۲/۶۶۹۴)*	۰/۰۶۲۶ (۱/۸۶۱۴)*	β_1	Mgrl Ability
-۰/۰۱۱۲ (-۲/۰۷۰۷)**	-۰/۰۱۵۵ (-۳/۰۹۴۷)*	-۰/۰۱۵۵ (-۳/۴۷۶۴)*	-۰/۰۱۵۵ (-۳/۰۴۵۹)*	β_2	SIZE
۰/۱۲۹۶ (۲/۴۱۰۳)	-۰/۰۰۰۵ (-۰/۰۱۱۲)	-۰/۰۷۷۹ (-۲/۳۶۸۸)**	۰/۰۸۴۷ (۱/۹۴۶۹)*	β_3	PPE
۰/۰۰۵۴ (۰/۰۸۸۸)	-۰/۰۰۶۳ (-۰/۱۲۵۸)	۰/۰۴۰۴ (۱/۲۱۰۴)	-۰/۰۲۷۹ (-۰/۶۵۲۹)	β_4	Δ PPE
۰/۰۲۸۶ (۰/۳۳۷۸)	-۰/۰۸۱۳ (-۱/۰۰۰۴)	۰/۰۶۴۲ (۱/۲۵۶۰)	-۰/۰۵۱۹ (-۰/۸۹۸۹)	β_5	Leverage
۰/۲۲۲۱ (۰/۴۲۴۹)	-۰/۸۴۷۵ (-۱/۳۵۴۳)	-۰/۷۵۹۶ (-۱/۳۵۵۹)	-۰/۱۷۵۶ (-۰/۴۸۵۴)	β_6	Intangibles
-۰/۰۰۳۸ (-۱/۶۰۷۲)	-۰/۱۹۸۴ (-۴/۱۹۱۴)*	۰/۰۱۶۶ (۰/۴۵۰۴)	۰/۰۴۶۵ (۰/۶۵۹۷)	β_7	ROA
۰/۰۰۹۰ (۲/۵۹۲۷)	۰/۰۰۰۷ (۰/۲۹۰۱)	-۰/۰۰۱۱ (-۰/۴۶۳۷)	۰/۰۰۰۴ (۰/۳۱۲۳)	β_8	MTB
۰/۰۱۰۷ (۱/۱۰۵۷)	-۰/۰۱۲۱ (-۰/۷۸۵۹)	۰/۰۲۲۷ (۲/۰۶۹۰)**	۰/۰۲۰۸ (۳/۰۳۹۵)*	β_9	Sales Growth
-۰/۰۱۵۳ (-۰/۷۱۲۵)	۰/۰۱۷۱ (۱/۱۲۲۹)	-۰/۰۱۴۳ (-۱/۱۰۶۷)	-۰/۰۲۱۴ (-۱/۳۹۳۰)	β_{10}	Volatility
۰/۰۲۶۲ (۱/۷۷۸۴)***	۰/۰۱۰۷ (۰/۹۶۴۴)	-۰/۰۰۱۹ (-۰/۱۶۵۹)	۰/۰۰۴۶ (۰/۳۵۹۸)	β_{11}	Age
(۰,۰۰۰۰)۶/۲۵۹	(۰,۰۰۰۰)۲۰/۰۱۱	(۰,۰۰۰۰)۳۶/۹۲۱	(۰/۰۰۰۰)۱۶/۵۹۱	آماره F (احتمال)	
۱/۹۳۶	۲/۰۶۵	۲/۰۸۳	۲/۰۵۳	آماره دوربین واتسون	
۰/۱۹۵	۰/۴۱۲	۰/۵۱۳	۰/۳۲۹	ضریب تعیین	
۰/۱۶۴	۰/۳۹۲	۰/۴۹۹	۰/۳۰۹	ضریب تعیین تعدیل شده	

*، ** و *** به ترتیب در سطح خطای ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪ معنادار است.

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود ضریب بین توانایی مدیریت و اجتناب مالیاتی مثبت و از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ولی این ضریب در شرکت‌هایی با عملکرد خوب کمتر از شرکت‌هایی با عملکرد بد است. این نتایج نشان می‌دهد که مدیرانی با سطح توانایی بالاتر نسبت به مدیرانی با سطح توانایی پایین عملکرد شرکت را با کاهش سطح اجتناب مالیاتی بهبود می‌بخشند. بنابراین، می‌توان این‌گونه استنباط کرد مدیرانی با سطح توانایی بالاتر بجای درگیر شدن در فعالیت‌های اجتناب مالیاتی منابع در اختیار خود را در سایر فعالیت‌ها به منظور حداکثر کردن درآمد و سود شرکت بکار گیرند که در نهایت منجر به افزایش ارزش شرکت گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

مالیات هزینه‌ای است که بر کلیه واحدهای انتفاعی که به نوعی درآمدزایی می‌کنند، از جانب دولت تحمیل می‌شود. چنانچه شرکت‌ها و اشخاص حقوقی به عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود فعالیت می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که به دنبال راهکارهایی در جهت کاهش مالیات پرداختی خود باشند. فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات به طور متداول به ابزارهای صرفه‌جویی مالیات که منابع را از دولت به سهامداران انتقال می‌دهد و بنابراین ارزش بعد از مالیات شرکت را افزایش می‌دهد، مربوط می‌شود و معنی مشابهی با فعالیت‌های جسورانه مالیاتی، برنامه‌ریزی مالیاتی و مدیریت مالیات دارد. از سوی دیگر، عوامل متعددی می‌تواند بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت تأثیر بگذارد که با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، یکی از این عوامل ویژگی‌ها و توانایی‌های خاص مدیران است. در این پژوهش تأثیر توانایی مدیران بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است. به این منظور از معیار نرخ موثر مالیاتی دفتری، نرخ موثر مالیاتی نقدی و نرخ موثر مالیاتی نقدی بلندمدت به عنوان معیارهای اجتناب از پرداخت استفاده شده است.

بر طبق فرضیه پژوهش پیش‌بینی شد که یک رابطه معنادار بین توانایی مدیریتی و اجتناب از پرداخت مالیات وجود دارد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه نشان داد که بین توانایی مدیریتی و هر سه معیار استفاده‌شده برای اجتناب از پرداخت مالیات رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به این معنی که توانایی مدیریتی منجر به افزایش فعالیت اجتناب از پرداخت مالیات شرکت می‌گردد. نتایج حاصل از این پژوهش مطابق با دیدگاه سنتی

است، مطابق دیدگاه سنتی اجتناب از پرداخت مالیات منجر به افزایش ارزش شرکت می‌گردد زیرا فعالیت‌های اجتناب مالیاتی با کاهش انتقال منابع از شرکت به دولت همراه است. بنابراین، کاهش مخارج مالیاتی و افزایش سود خالص در یک زمان و افزایش وجه نقد نگهداری شده از فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌تواند منجر به ارزش آفرینی برای شرکت گردد. نتایج حاصل از این پژوهش همسو با یافته‌های کاستر و همکاران (۲۰۱۶) و مغایر با یافته‌های فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳)، پارک و همکاران (۲۰۱۶) است.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد مدیران با توانایی بالاتر درک بهتری از محیط عملیاتی شرکت دارند، از این رو آن‌ها را قادر می‌سازد که تصمیمات تجاری بهتری با استراتژی‌های مالیاتی بگیرند و فرصت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی را تعیین کنند. بنابراین، هنگامی که هزینه‌های فرصت مدیران کاهش می‌یابد ارزش افزوده ایجاد شده از فعالیت‌های اجتناب مالیاتی افزایش یافته و فعالیت‌های اجتناب مالیاتی یک گزینه سرمایه‌گذاری با جذابیت بیشتر برای مدیران خواهد شد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد شرکت‌هایی که عملکرد بهتری دارند مدیران با سطح توانایی بالا کمتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند. این نتایج دیدگاهی را حمایت می‌کند که اگر هزینه‌های فرصت اجتناب مالیاتی بیشتر از فعالیت‌های دیگر مدیران باشد، مدیران با سطح توانایی بالاتر تلاش و زمان خود را صرف فعالیت‌های دیگر از قبیل افزایش فروش، بازاریابی به منظور افزایش فروش‌های خارجی، سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تامین مالی بجای فعالیت‌های اجتناب مالیاتی برای حداکثر سازی و سودآوری شرکت خواهند داشت و منابع در اختیار خود را در منافع اقتصادی با کارایی بیشتر بکار می‌گیرند. به طور کلی، نتایج پژوهش نشان داد علاوه بر ویژگی‌های شرکت، توانایی مدیریتی نیز می‌تواند فعالیت‌های اجتناب مالیاتی را هدایت کند. بنابراین توانایی مدیریتی یکی از عوامل تعیین‌کننده استراتژی‌های اجتناب مالیاتی شرکت است که بر عملکرد و تصمیمات شرکت تأثیر می‌گذارد. از این رو، پژوهش حاضر شواهدی از نقش مدیران در تصمیمات شرکت با نشان دادن اهمیت توانایی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکت فراهم آورد.

منابع:

- پورحیدری، امید و امید سروستانی (۱۳۹۲) « شناسایی و تبیین عوامل موثر بر مدیریت مالیات». *مجله دانش حسابداری*، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۸۹-۱۱۰.
- پور حیدری، امید، فدوی، محمدحسن و میثم امینی‌نیا (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران». *فصلنامه پژوهشنامه اقتصاد*، سال چهاردهم، شماره ۵۲، صص ۶۹-۸۵.
- حاجب، حمیدرضا، غیوری مقدم، علی و محمدجواد غفاری (۱۳۹۴) «بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر ساختار سرمایه در صنعت مواد و محصولات دارویی». *فصلنامه حسابداری سلامت*، سال سوم، شماره سوم، شماره پیاپی ۹، صص ۱-۱۷.
- حجازی، رضوان، فصیحی، صغری و بهنام کرشاهی (۱۳۹۶) «بررسی تأثیر توانایی مدیران بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران». *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، سال ۱۴، شماره ۵۴، صص ۸۷-۶۷.
- حساس یگانه، یحیی و مجتبی گل محمدی شورکی (۱۳۹۲) «رابطه بین نرخ موثر مالیات و ویژگی‌های شرکت». *فصلنامه پژوهشنامه مالیات*، سال نوزدهم، شماره ۱۲، صص ۲۳۹-۲۶۴.
- سپاسی، سحر، علی‌اصغر انواری رستمی و علی صیادی سومار (۱۳۹۴) «تأثیر توانایی مدیریت بر تجدید ارائه صورت‌های مالی با تأکید بر انگیزه‌های فرصت‌طلبانه». *دانش حسابداری مالی*، دوره ۲، شماره ۴، صص ۸۹-۱۱۰.
- مراد زاده فرد، مهدی (۱۳۹۵) «توانایی مدیریتی، کارایی سرمایه‌گذاری و ریسک سقوط قیمت سهام». *فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی*، سال ۱۳، شماره ۵۰، صص ۵۶-۲۵.
- Andreou, P.; Daphna, E.; and C. Louca (2013) Managerial Ability and Firm Performance: Evidence from the Global Financial Crisis. Available at: <http://www.efmaefm.org>. [Online][15 April 2014]
- Armstrong, C.S., Blouin, J.L., Larcker, D.F (2012) The Incentives for Tax Planning. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 53, No. 1-2, Pp. 391-411.
- Badertscher, B. Katz, S. & Rego, S. (2013) The Separation of Ownership and Control and Corporate Tax Avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 56 (2, 3), pp. 228-250.
- Baik, B., J. Chae, S. Choi, and Farber, D. B. (2013). Changes in Operational Efficiency and Firm Performance: A Frontier Analysis

- Approach. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 30 (3): 996–1026.
- Bertrand, M., Schoar, A., (2003). Managing with Style: The Effects of Managers on Firm Policies. *The Quarterly Journal of Economics*, Vol.118(4), 1169-1208.
- Demerjian, P., Lev, B., Lewis, M., & McVay, S. (2013) Managerial Ability and Earnings Quality. *The Accounting Review*, Vol. 88 (2): 463–498.
- Demerjian, P., Lev B., & McVay, S. (2012). Quantifying Managerial Ability: A New Measure and Validity Tests. *Management Science*, Vol. 58 (7): 1229–1248.
- Desai, M., & Dharmapala, D. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *The Review of Economics and Statistics*, Vol. 91(3), 537-546.
- Desai, M., & Dharmapala D. (2006). Corporate Tax Avoidance and High-powered Incentives. *Journal of Financial Economics*, Vol. 79, 145-179.
- Dyreg, S., Hanlon, M., Maydew, E., (2010). The Effects of Executives on Corporate Tax Avoidance. *The Accounting Review*, Vol. 85 (4), 1163-1189.
- Dyreg, S., M. Hanlon, and E. Maydew. (2008). Long- run Corporate Tax Avoidance. *The Accounting Review*, Vol. 83(1): 61–82.
- Francis, B, Sun, X., & Wu, Q. (2013). Managerial Ability and Tax Avoidance. Available at: <http://ssrn.com/abstract=2348695>.
- Graham, J. R., M. Hanlon, T. J. Shevlin, and N. Shroff. (2014). Incentives for Tax Planning and Avoidance: Evidence from the Field. [*The Accounting Review*, Vol. 89, No. 3, pp. 991-1023.](#)
- Hanlon, M., Heitzman, S. (2010). A Review of Tax Research. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 50 (2-3), 127-178.
- Hasan, I., S. Hoi, Q. Wu, and H., Zhang. (2014). Beauty is in the Eye of the Beholder: The Effect of Corporate Tax Avoidance on the Cost of Bank Loans. *Journal of Financial Economics*, Vol. 113(1): 109-130.
- Hope, O., Ma, M., Thomas, W. B. (2013) Tax Avoidance and Geographic Earnings Disclosure. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 56 (2-3), 170-189.
- Koester, A., Shevlin, T., & Wangerin, D. (2016). The Role of Managerial Ability in Corporate Tax Avoidance. *Management Science*, Vol. 56 (2-3), 3285-3310.
- Park, Joonho., Youl Ko, c., Jung, H., & Yong-Seok Lee, Y, S. (2016). Managerial Ability and Tax Avoidance: Evidence from Korea. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, Vol. 23(4): 449–477.

- Phillips, J.D. (2003). Corporate Tax-Planning Effectiveness: the Role of Compensation-Based Incentives. *The Accounting Review*, Vol. 78, No. 3, Pp. 847–874.
- Rego, S., Wilson, R. (2012). Equity Risk Incentives and Corporate Tax Aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, Vol. 50, No. 3, Pp. 775–810.
- Robinson, J.R., Sikes, S.A., Weaver, C.D. (2010). Performance Measurement of Corporate Tax Departments. *The Accounting Review*, Vol. 85, No. 3, Pp. 1035–1064.
- Rose, N. L., Shepard, A. (1997). Firm Diversification and CEO Compensation: Managerial Ability or Executive Entrenchment. *The RAND Journal of Economics*, Vol. 28 (3), 489-514.
- Shavinina, L. V., Medvid, M. (2009). Understanding Managerial Talent. In *International Handbook on Giftedness*, Springer, Netherlands, pp. 839-851.
- Slemrod, J. (2004). The Economics of Corporate Tax Selfishness. *National Tax Journal*, Vol. 57(4): 877–899.
- Wilson, R. (2009). An Examination of Corporate Tax Shelter Participants. *The Accounting Review*, Vol. 84, No. 3, Pp. 969-999.
- Yang, J., and Jiang, Y. (2008). Accounting Information Quality, Free Cash Flow and Overinvestment: A Chinese Study. *The Business Review*, Vol. 11(1): 159-166.